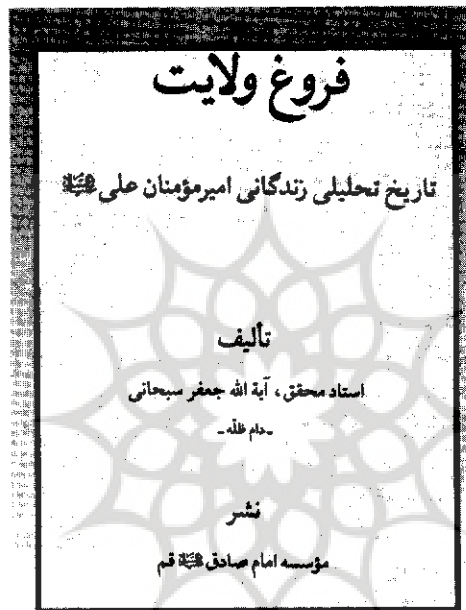




فروع ولایت، تاریخ تحلیلی زندگانی امیر مؤمنان علی علیه السلام

○ علی غفرانی



اهمیت مطالعه در زندگی علی (ع) و راههای شناخت شخصیت آن امام بزرگوار بحث شده است. مولف در همانجا زندگانی حضرت علی (ع) را که در این کتاب آمده به پنج بخش تقسیم کرده و هر بخش را به طور جداگانه مورد بررسی قرار داده است. البته کتاب بخش ششمی هم دارد. در پایان مقدمه، مولف ارجمند با تواضع تمام ضمن اعتراف بر عظمت بی‌مانند حضرت علی علیه‌السلام اعلام کرده است که با این همه تلاش نتوانسته است حتی نیم‌رخ از چهره روشن و نورانی آن امام بزرگوار را در این اوراق ترسیم نماید.

بخش اول: به زندگانی حضرت علی (ع) قبل از بعثت در یازده صفحه اختصاص داده شده و به اختصار به بررسی شخصیت حضرت علی (ع) از نقطه نظر دوستان و دشمنان و افراط و تفریطی که درباره ایشان در تاریخ رخ داده، داوریهایی ضد و نقیض درباره آن حضرت، مقایسه شخصیت ایشان با حضرت عیسی مسیح، پرداخته و در قسمت دیگر شخصیت آن حضرت را با توجه به سه عامل وراثت، آموزش و فرهنگ و محیط زندگی مورد بحث قرار داده است. مولف در عین اینکه حجم کمی از کتاب را به این بخش اختصاص داده، آن را حساس‌ترین بخش از زندگی امام علی (ع) دانسته که شخصیت وی در این مدت شکل گرفته است.

مسائل مربوط به تولد و دوران کودکی و چگونگی راه یافتن ایشان به خانه و زیر سایه پیامبر به اختصار ذکر شده است.

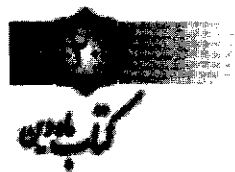
بخش دوم: این بخش که مشتمل بر سه فصل می‌باشد، به بررسی زندگانی امام علی (ع) پس از بعثت پیامبر (ص) و قبل از هجرت پرداخته است. در این بخش آمده است که حضرت علی (ع) در طول سیزده سال در محضر رسول خدا (ص) بوده و تکالیفی برعهده داشته و افتخاراتی نصیب ایشان شده که در طول تاریخ نصیب هیچکس نشده است. یکی از آن افتخارات سبقت و تقدم علی (ع) در ایمان به پیامبر (ص) و اسلام و در

ضرورت شناخت شخصیت امام علی (ع) به عنوان امام اول شیعیان و خلیفه چهارم مسلمانان و بررسی ابعاد مختلف زندگی فردی و اجتماعی ایشان بر هیچکس پوشیده نیست. علما و نویسندگان بسیاری در راه شناخت حضرت علی (ع) و زندگی پررمز و راز ایشان دست به تألیف زده‌اند. بیشتر کتابهایی که در این باره تألیف شده، از دیدگاه و نقطه نظر خاصی به این انسان والا کهر نگریسته و یا اینکه بخشی از زندگی و عملکردهای ایشان مورد بررسی قرار گرفته است. البته کار درست و به جایی هم بوده است زیرا شناخت همه‌جانبه انسانی با این صفات که خدای بزرگ او را لقب «لا فتی الا علی» داده و پیامبرش او را «باب مدینه علم» نامیده، برآستی مشکل است.

کتاب حاضر یکی از کتابهای جامع در مطالعه تاریخ زندگی آن حضرت و بیان

عملکردها و نقش و تأثیر ایشان در سرنوشت اسلام است که بیشتر از نقطه نظر کلام شیعی و با دیدگاه حدیثی برای اثبات حقانیت ایشان برای جانشینی پیامبر (ص) به رشته تحریر درآمده و بسیاری از اخبار و روایات تاریخی مربوط به آن امام بزرگ (ع) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و از بعضی مسائل تاریخی و حدیثی اصل امامت رفع ابهام شده است. این کتاب نثری روان و شیوا دارد و می‌تواند مورد استفاده طلاب و دانشجویان و تمام علاقمندان به تاریخ اسلام بویژه علاقمندان به مبحث امامت قرار بگیرد. این کتاب دارای یک مقدمه و شش بخش است که بخش چهارم و پنجم آن بسیار مفصل بوده و بخش اعظم کتاب به بخش پنجم اختصاص داده شده است.

در مقدمه کتاب درباره اهمیت و نقش شخصیت‌های برجسته در تحولات تاریخی، اهمیت شخصیت حضرت علی (ع) و ویژگیهای فردی ایشان،



کتاب حاضر یکی از کتابهای جامع در مطالعه تاریخ زندگی آن حضرت و بیان عملکردها و نقش و تأثیر ایشان در سرنوشت اسلام است که بیشتر از نقطه نظر کلام شیعی و با دیدگاه حدیثی برای اثبات حقانیت ایشان برای جانشینی پیامبر (ص) به رشته تحریر درآمده است. این کتاب تثری روان و شیوا دارد و می تواند مورد استفاده طلاب و دانشجویان و تمام علاقمندان به تاریخ اسلام بویژه علاقمندان به مبحث امامت قرار بگیرد

از سوی خداوند برای این مقام از نقطه نظر کلام شیعی بحث شده و در قسمتی از آن چنین آمده است: «برای پایداری نهضت پس از پیامبر (ص) دو راه وجود داشت ۱- رشد اجتماعی و فکری مردم باید به حدی می رسید که بتوانند پس از درگذشت پیامبر (ص) نهضت نوین اسلام را همچون عهد رسالت رهبری کنند که قطعاً چنین شایستگی و رشد ایمانی و عقلی وجود نداشت.

۲- برای پایداری و تداوم نهضت راه صحیح آن بود که از طرف خداوند فرد شایسته‌ای که از نظر ایمان و اعتقاد به اصول و فروع نهضت همچون پیامبر باشد، برای رهبری انتخاب شود تا در پرتو ایمان نیرومند و علم وسیع و مصونیت از خطا و لغزش، رهبری انقلاب را برعهده گرفته و پایداری آن را تضمین کند. این همان مطلبی است که مکتب تشیع مدعی صحت و استواری آن است و شواهد تاریخی فراوانی گواهی می دهد که پیامبر بزرگوار اسلام (ص) در روز غدیر یا تعیین وصی و جانشین خود از طرف خداوند، بقا و استمرار اسلام را تضمین کرد. ۲ در پایان این فصل واقعه تاریخی غدیر خم به عنوان یک رویداد جاودانی به طور مفصل و از زوایای مختلف تاریخی و حدیثی و تفسیری مورد بحث قرار گرفته است.

بخش چهارم: زندگانی امام علی (ع) پس از درگذشت پیامبر (ص) و قبیل از خلافت. این بخش مشتمل بر دوازده فصل است.

فصل اول با عنوان بیست و پنج سال سکوت، به بررسی مسائل مربوط به کفن و دفن پیامبر بزرگوار اسلام، پیشنهاد عباس و ابوسفیان به علی (ع)، وضع جامعه عرب بعد از پیامبر و اهمیت اتحاد مسلمانان و مسأله سقیفه اختصاص دارد. در قسمتی از این فصل آمده است: «امام علی (ع) در چهارمین دوره زندگی خود در اثر شرایط خاصی که ایجاد شده بود از صحنه اجتماع به طور خاصی کناره گرفت و سکوت اختیار کرد». ۳ در این عبارت دو مطلب جای سؤال دارد یکی آنکه منظور از شرایط خاص روشن نشده و دیگر آن که امام از صحنه سیاسی کناره گرفته بود نه اجتماعی.

در قسمت دیگر از این فصل درباره فعالیت‌های امام علی (ع) در این دوره چنین آمده است: «عبادت و تفسیر قرآن و حل مشکلات بسیاری از آیات، تربیت شاگردانی مانند ابن عباس، پاسخ به پرسشهای دانشمندان یهودی و مسیحی که پس از درگذشت پیامبر (ص) برای تحقیق از آیین وی به مدینه می آمدند و پاسخگویی جز علی (ع) نمی یافتند، بیان احکام بسیاری از رویدادهای نوظهور که در اسلام سابقه نداشت (که نمونه‌ای ذکر نشده است)، مشاوره با خلفا، کار و کوشش برای تأمین زندگی بسیاری از بینوایان، پاسخ به مشکلات قضایی و فعالیتهای اجتماعی» از اهم فعالیت‌های امام بوده است. ۴ البته بر مطالب فوق ایرادها و اشکالات عمده‌ای وارد است که مهمترین آنها عدم ذکر شاهد و نمونه برای فعالیتهای فوق‌الذکر و عدم ذکر منبع و مأخذ از مهم‌ترین آنهاست.

با مقایسه دو قسمت فوق این سؤال مطرح می شود که آیا فعالیتهای فوق‌الذکر امام (ع) و مسائلی از قبیل مشورت عمر با ایشان در باب فتح ایران و بیت المقدس و تعیین مبدأ تاریخ و رهبری دستگاه قضایی نوین اسلام ۵ چگونه با کناره‌گیری از صحنه اجتماع و سکوت جور درمی آید و این درحالی است که مؤلف محترم در صفحه ۲۸۳ کتاب چنین آورده است: «سکوت امام علی (ع) در دوران برکناری از مقام خلافت، سکوت مطلق به

عربی کردن دعوت است. در اثبات این سخن شواهدی از اخبار و روایات تاریخی که از منابع مختلف اخذ شده، آمده است.

در فصل دوم از فضیلت یوم‌الدار که نصیب امام علی (ع) شد، بحث شده و آمده است که بنی امیه در طول تاریخ سعی کردند تا از اشاعه و انتشار این فضیلت امام (ع) جلوگیری کنند.

در فصل سوم از فداکاری بی نظیر امام علیه‌السلام در لیلۃ‌المبیت سخن رفته است.

بخش سوم: این بخش با عنوان اصلی «زندگی امام علی (ع) پس از هجرت و پیش از رحلت پیامبر (ص)» آمده و مشتمل بر ده فصل است. در این دوره از زندگانی امام علی (ع)، پیامبر بزرگوار اسلام (ص) پایه‌های حکومت نوپای اسلامی را در مدینه مستحکم می ساخت و امام در همه لحظات در کنار ایشان بود. در ۲۶ غزوه از غزوات پیامبر (ص) شرکت فعال داشت و آیات قرآنی و دعوتنامه‌ها و اسناد سیاسی پیامبر را می نوشت. در فصل دوم از این بخش از دو فضیلت بزرگ امام (ع) سخن رفته است. فضیلت اول برادرخواندگی علی (ع) با پیامبر (ص) بود. فضیلت دیگر آن بود که بدستور خداوند تمام درهائی که از خانه‌های اصحاب به مسجد پیامبر باز می شد، جز در خانه حضرت علی (ع) بسته شد. در این فصل به طور مفصل در اهمیت و ضرورت مسأله اتحاد و دوستی بین انسانها سخن رفته است. در فصل سوم از قهرمانی امام (ع) در جنگ بدر سخن رفته است. در فصل چهارم مسأله ازدواج امام (ع) با حضرت زهراء (س) در فصل پنجم تاریخ جنگ احد و فداکاری حضرت علی (ع) در آن جنگ و در فصل ششم از نقش امام (ع) در جنگ احزاب بحث شده و در قسمتی از آن آمده است «اگر حضرت علی (ع) جهت مقابله [با عمرو بن عبدود] به میدان نرفته بود، در هیچیک از مسلمانان جرأت مبارزه نبود». «اگر علی (ع) در این نبرد شرکت نمی کرد و یا کشته می شد قریب به اتفاق سربازانی که در دامنه کوه سلع گرداگرد پیامبر (ص) بودند از غرشهای قهرمان عرب پا به فرار گذارده می گریختند». و بر مبنای همین محاسبات بود که پیامبر اسلام با الهام از وحی الهی فداکاری حضرت علی (ع) را در روز خندق «افضل من عبادة الثقلین» ارزیابی کرد. ۱ در صفحه پایانی این فصل در تبیین فلسفه ارزیابی پیامبر (ص) از این فداکاری امام (ع) الفاظ و عباراتی به کار رفته که تا حدودی گنگ و نامفهوم به نظر می آید.

در فصل هفتم از نقش و حضور حضرت علی (ع) در نبرد خیبر، صدور حدیث منزلت درباره ایشان و همراهی امام (ع) با پیامبر (ص) در روز مباحله سخن رفته است. در فصل هشتم از دقت نظر و پابندی امام (ع) به عدالت و رعایت حقوق بیت‌المال گفتگو شده است. در صفحه ۱۱۴ مطلبی بدین مضمون آمده است که: «خالد بن ولید پس از درگذشت پیامبر (ص) و به دستور خلیفه وقت تصمیم بر قتل علی (ع) گرفت اما به عللی موفق نشد». منبع و مأخذ این خبر ذکر نشده و در پاورقی تفصیل این مطلب به بخش چهارم ارجاع داده شده که در بخش چهارم نیز مورد بررسی قرار نگرفته است. و این مطلب برای خواننده مبهم باقی می ماند. فصل نهم به بررسی مأموریت حضرت علی (ع) برای خواندن سوره براءت در مکه پرداخته است. در این فصل بحث مفصلی درباره اهمیت و ضرورت تعیین جانشین برای پیامبر بزرگوار اسلام (ص) و ضرورت تعیین فردی شایسته





معنی کناره‌گیری از هر نوع مداخله در امور رهبری نبود، اگر چه مقام رهبری و خلافت را دیگران اشغال کرده بودند... امام در این دوران دستگاه قضایی را رهبری می‌کرد. شأن امام بالاتر و روح او بزرگتر از آن بود که مانند برخی بیندیشد که چون زمام خلافت را از او گرفته‌اند در هیچ امری از امور مملکت مداخله نکند و در حل هیچ مشکلی قدم بر ندارد تا هرج و مرج و ناراضیاتی جامعه اسلامی را فراگیرد و دستگاه خلافت دچار تزلزل گردد و سرانجام سقوط کند». «ایمان و وجدان پاک علی (ع) اجازه نمی‌داد در برابر مشکلات اسلام و امور دشوار مسلمانان مهر سکوت بر لب نهد و خود را از هر نوع مداخله کنار کشد». «علی (ع) از جمله افرادی نبود که به جامعه و نیازهای آن از دریچه خلافت بنگرد که با بسته شدن آن، هر نوع مسؤولیت و تعهد را از خود سلب کند. آن حضرت به رغم آنکه از رهبری سیاسی باز داشته شد برای خود مسؤولیت‌های مختلفی قائل بود و از طرق مختلف به صحنه خدمت وارد می‌شد». «این مطلب در اینجا قابل ذکر است که کناره‌گیری امام (ع) به معنای آن است که نقش فعالی در رهبری و تدبیر امور سیاسی و... نداشت و از صحنه اجتماع بدور نبوده است.

فصل دوم: خلافت خلفا و منطق امیرالمؤمنین را بررسی کرده است. در فصل سوم از نحوه بیعت گرفتن ابوبکر از حضرت علی (ع)، ماجرای حمله به خانه علی (ع)، جسارت به ساخت حضرت زهرا (س) گفتگو شده است در فصل چهارم و پنجم و ششم مسأله فدک و مسائل مربوط به آن به طور مفصل مورد بحث قرار گرفته است.

در فصل هفتم با عنوان حضرت علی (ع) و شورا، شورای عمر و نحوه گزینش اعضای آن و عملکرد آن مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته و انتصابی بودن مقام امامت مورد تأکید قرار گرفته است. در قسمتی از آن آمده است که «انتخاب خلفا پس از درگذشت رسول اکرم (ص) به یک منوال نبود بلکه هر یک از خلفای سه‌گانه به گونه‌ای خاص انتخاب شدند. این گوناگونی انتخاب گواه آنست که خلافت امری انتخابی نبود و درباره گزینش امام به وسیله مردم دستوری از خدا و پیامبر نرسیده بود. وگرنه معنی نداشت پس از درگذشت پیامبر بزرگوار (ص) خلفای وی به طرق مختلف که هیچیک شباهت به دیگری نداشت، انتخاب شوند و دستور پیامبر نادیده گرفته شود و همه مردم مهر خاموشی بر لب زنند. این تفاوت گواه آن است که امامت و رهبری در اسلام یک منصب انتصابی از جانب خداست ولی متأسفانه سران آن قوم در این مورد همچون دهها مورد دیگر نص پیامبر را نادیده گرفتند». «در اینجا یک سؤال مطرح می‌شود که لازم بود مؤلف ارجمند بدان می‌پرداخت که آیا رهبری سیاسی امام معصوم هم مانند مقام معنوی و مرجعیت دینی او انتصابی از جانب خداست یا اراده و گزینش مردمی بر اساس اصول و نصوص دینی هم نقش دارد؟

در قسمت دیگر از این فصل در تجزیه و تحلیل شورای عمر چنین آمده است که «چرا عمر برای عضویت شورا افرادی را برگزید که روابط اغلب آنان با علی (ع) تیره بود و جز زبیر همه بر ضد امام بودند؟». «اگر ملاک عضویت در شورا بدوی و احدی و مهاجر بودن اشخاص بود، این ملاکها در افراد دیگر نیز صدق می‌کرد. چرا از میان آنان این گروه انتخاب شدند درحالیکه خود خلیفه در انتقاد از اعضای شورا سخنانی گفت» که مشهور است. البته در پاسخ این سؤال مؤلف باید گفت که از عشرة مبشره همین شش تن زنده بودند اگر چه صحت حدیث عشرة مبشره از دیدگاه شیعه جای بحث دارد.

در این فصل یک سؤال مهم مطرح و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است «اصولاً چه می‌شد که عمر مانند ابوبکر، علی (ع) را برای جانشینی انتخاب می‌کرد و از این طریق جلو بسیاری از مفاسد را می‌گرفت». «در فصل هشتم خاندان رسالت از دیدگاه حضرت علی (ع)، در فصل نهم

حضرت علی (ع) و مشکلات سیاسی خلیفه اول، در فصل دهم حضرت علی (ع) و مشاوره‌های سیاسی خلیفه دوم، در فصل یازدهم رفع نیازهای علمی عثمان و معاویه و در فصل دوازدهم خدمات اجتماعی و فرهنگی امام (ع) مورد بررسی قرار گرفته است. در جای جای مطالب این بخش با استناد به احادیث متعددی از امام علی (ع) حقانیت ایشان برای امامت و اینکه چرا ایشان برای گرفتن حق خود دست به قیام نزد، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و تحلیلهای تاریخی مستند و مستدلی ارائه شده است. »

بخش پنجم: رویدادهای دوران خلافت حضرت علی (ع). این بخش که بیشترین حجم مطالب کتاب را به خود اختصاص داده مشتمل بر ۲۳ فصل است.

در فصل اول ریشه‌ها و عوامل شورش مردم بر ضد عثمان، علل گرایش مردم به امام علی (ع)، عملکردهای عثمان، محاکمه و قتل او و طعن‌هایی که بر عثمان وارد بود، در فصل دوم جریان محاکمه و قتل عثمان، محاصره خانه عثمان، مورد بررسی قرار گرفته است.

در فصل سوم بیعت مردم با حضرت علی (ع)، در فصل چهارم عوامل مخالفت با حضرت علی (ع)، خطبه علی (ع) پیش از تقسیم بیت‌المال، عزل فرمانداران پیشین. در فصل پنجم معاویه و آرزوی دیرینه وی برای خلافت، در فصل ششم تا دهم حوادث و اخبار مربوط به جنگ جمل مورد بررسی قرار گرفته است.

در فصل یازدهم با عنوان کوفه مرکز خلافت اسلامی حوادث بعد از جنگ جمل و قبل از جنگ صفین و اقدامات سیاسی امام مورد بررسی قرار گرفته است. فصلهای دوازدهم تا نوزدهم جنگ صفین و علل و عوامل و پیامدها و نتایج آن را مورد بررسی قرار می‌دهد. در فصل بیستم و بیست و یکم، قضیه حکمیت و آثار و نتایج آن مورد بررسی قرار گرفته است. در فصل بیست و دوم و بیست و سوم به جنگ نهروان و انگیزه‌های مخالفت خوارج با حضرت علی (ع) پرداخته شده است. یکی از ویژگیهای برجسته این بخش از کتاب تفصیل بسیار زیاد مطالب است به طوری که در برخی موارد به تکرار غیرضروری منجر شده است. [پیامدهای تأخیر جریر که به نمایندگی از سوی امام (ع) نزد معاویه رفته بود، در صفحات ۵۰۵ و ۵۰۸ و ۵۱۰ مقایسه شود]. حوادث مربوط به جنگ صفین در یکصد و نود صفحه آمده است. در این قسمت برخی مطالب بخش پنجم مورد بررسی قرار می‌گیرد. در بررسی علل مخالفت گروه‌هایی از مردم با امام علی (ع) به موارد زیر اشاره شده است. «۱ - دشمنی دیرینه گروهی که بستگانشان در جنگها بدست علی (ع) کشته شده بودند. ۲ - انقاع تبعیضات ناروا در تقسیم بیت‌المال ۳ - عزل فرمانداران ناشایست خلیفه پیشین که معاویه در رأس آنان بود ۴ - دگرگونی در اخلاق و رفتار مردم.

همچنین در فصل چهارم علت تعجیل امام (ع) در عزل معاویه به درستی مورد بررسی قرار گرفته و چنین آمده است:

«اگر امام، معاویه را عزل می‌کرد با امواجی از مخالفت‌های شامیان رو به رو می‌شد ولی در صورت ابقای او نیز نه‌تنها با مخالفت گروه طرفدار معاویه مواجه می‌بود بلکه مخالفت انقلابیون ستم‌دیده را نیز که امام را روی کار آورده بودند موجب می‌شد.»

«استبداد و فساد معاویه بر کسی پوشیده نبود. اگر علی (ع) در این مورد با معاویه معامله و اغماض می‌کرد کار او جز سازش با معاویه و نادیده گرفتن اهداف انقلابیون و نیکان صحابه تلقی نمی‌شد.»

«معاویه با ویژگیهای خاص فکری که داشت هیچگاه حقانیت علی (ع) را نمی‌پذیرفت و اگر علی (ع) بر اساس یک تحلیل سیاسی با معاویه مماشات می‌کرد تا بر اوضاع مسلط شود، قطعاً معاویه بهتر از هر کسی می‌دانست که سازش امام با او موقت و زودگذر است و قطعاً دعوت امام را

نمی‌پذیرفت».^{۱۳}

در فصل ششم در بررسی ریشه‌های مخالفت ناکثان با امام علی (ع) به نامه‌ای اشاره شده که معاویه برای طلحه و زبیر نوشته بود، اما مأخذ آن ذکر نشده است.^{۱۴}

همچنین در این بخش در شرح رویدادهای جنگ صفین به کتاب وقعه صفین و شرح نهج البلاغه ابن‌ابی‌الحدید اکتفا شده و از تاریخهای عمومی و متون ادبی و تاریخی قدیم جز چند مورد که به طبری استناد شده، استفاده نشده است. درحالیکه لازمه یک تحقیق تاریخی علمی و بدست دادن تحلیلی جامع از زندگانی امام علی (ع) مراجعه به تمام متون و اسناد تاریخی است.

عنوان فصل بیست و دوم جنگ نهروان یا ره‌آورد شوم سیاست قرآن بر نیزه کردن، و با توجه به مطالب مذکور در صفحه ۶۸۸ که ریشه خوارج از زمان پیامبر اکرم (ص) وجود داشته، چندان قابل قبول به نظر نمی‌رسد. زیرا با توجه به ریشه چند ده ساله این گروه در میان مسلمانان، اگر چنین وضعی در جنگ صفین پیش نمی‌آمد، هیچ بعید نبود که این گروه به دلایل دیگری در مقابل خلافت علی (ع) قیام می‌کردند.^{۱۵}

مؤلف محترم در فصل بیست و سوم در تحلیل انگیزه‌های مخالفت خوارج با امام علی (ع) ریشه مخالفت‌های آنان را جهالت تلقی کرده است.^{۱۶} اینجا این سؤال پیش می‌آید که اگر آنان واقعاً از روی جهالت و نادانی با امامی چون علی (ع) مخالفت می‌کردند پس چرا آنان در روزگار سه خلیفه پیشین به مخالفت برخاستند؟ آیا واقعاً جاهل بودند یا اینکه دستهای پنهان سیاست‌بازان آنان را به مخالفت با علی (ع) وادار کرده بودند. در شرح حوادث نهروان از تاریخهای عمومی بیش از بخشهای دیگر بهره گرفته شده است.

بخش ششم: وقایع پس از نهروان و شهادت حضرت علی (ع)

در این بخش غارتگریها و ناامنی‌ها و کشتارهای فجیع مزدوران معاویه در شهرهای مرزی عراق، ظلم و ستم عمال معاویه در شهر مکه، آغاز مخالفت با امام در یمن، اعزام محمدبن ابی‌بکر و مالک اشتر به مصر و شهادت امام به تفصیل بیان شده است. در تدوین این بخش از منابع تاریخی بیش از متون حدیثی استفاده شده است.

تذکرات پایانی درباره کاستیها

در پایان این مقال ضمن ارج نهادن به تلاشهای ارزنده و تحلیلهای عالمانه مؤلف ارجمند که بسیاری از مسائل مربوط به تاریخ زندگانی سیاسی این امام بزرگ را از پرده ابهام بیرون آورده تذکر چند نکته لازم آمد.

۱ - تذکر اول درباره ارجاعات است که در این کتاب ذیل نام کتاب در پاورقی آمده و به نام نویسنده جز در چند مورد معدود اشاره نشده و مشخصات چاپی منابع مورد استفاده مؤلف ذکر نگردیده است.

۲ - تذکر دوم درباره عدم ذکر منبع و مأخذ برخی مطالب است که به تعدادی از موارد اشاره شده و توجه خوانندگان محترم به حدیث یوم‌الدار و صفحات ۱۱۸ و ۱۳۸ و ۱۳۹ به عنوان نمونه جلب می‌گردد.

۳ - در ذکر برخی مطالب جنبی و حاشیه‌ای در کنار مسائل مربوط به امام علی (ع) تفصیل بسیار و غیرضروری به کار رفته است. مثلاً در ذکر برادرخواندگی حضرت علی (ع) با پیامبر بزرگوار اسلام و یا در ذکر ازدواج امام علی (ع) با حضرت فاطمه بحث مفصلی در اهمیت ازدواج در اسلام صورت گرفته که ضروری به نظر نمی‌رسید چرا که این بحث‌ها ربطی به تاریخ تحلیلی ندارد و اشاره اندکی به این امور کفایت می‌کند. در حوادث جنگ بدر نیز چنین تفصیلی دیده می‌شود.

۴ - در صفحه ۴۸۹ و ۶۴۳ مطلبی درباره عبدالله فرزند عمروعاص آمده که در مورد اول از او به عنوان «مردی تا حدودی به پاکي معروف» یاد شده

که پدر را از پیوستن به معاویه منع کرده است و در مورد دوم از او با عبارات «از مقدس‌نماهای جامعه آن روز» یاد شده که سر از سپاه شام درمی‌آورد. ۵ - در صفحه ۶۶۰ خباب‌بن‌آرت به عنوان یکی از ده شاهدی ذکر شده که پیمان حکمیت را در جنگ صفین امضا کردند. درحالیکه در صفحه ۶۷۰ و ۶۷۱ و ۷۲۵ آمده است که خباب‌بن‌آرت پس از عزیمت امام به صفین در کوفه از دنیا رفته است [و در صفین حاضر نبود]. جالب اینکه هر دو مطلب به یک منبع ارجاع داده شده است.

۶ - در صفحه ۶۷۲ و ۶۷۳ گفتگوی امام علی (ع) با ابوموسی اشعری، اگر روایت درست باشد - از سادگی و عدم دوراندیشی امام حکایت دارد که امام در عین حالیکه به فریب خوردن ابوموسی یقین دارد هیچ چاره‌ای نمی‌اندیشد. مطلب به گونه‌ای طرح شده است که برای خواننده این توهم ایجاد می‌شود که شاید شریح‌بن‌هانی و احنف در گفتگو با ابوموسی بیشتر از امام به فکر مصالح مسلمین بوده‌اند.

۷ - در یکجا طول حکومت خاندان اموی بعد از شهادت حضرت علی (ع) هشتاد سال یا کمی بیشتر ذکر شده که نود و دو سال صحیح است.

۸ - در فصل دوازدهم از بخش چهارم به حفر قنات توسط حضرت علی (ع) اشاره شده و به کتابهای حدیثی فروع کافی و وسایل الشیعه ارجاع داده شده است. بهتر بود به کتابهای جغرافیای تاریخی همچون معجم‌البلدان نیز مراجعه می‌شد تا اطلاعات جامع‌تری در مورد ینبغ بدست داده شود.^{۱۷} و اینکه در عربستان در محدوده حجاز قنات بوده یا نه جای تردید است.

۹ - خوشبختانه اشتباهات چاپی در این کتاب بسیار کم و غیرقابل توجه است و جز چند کلمه در صفحات ۶۳۹، کلمه یاغیگران و ۶۰۴ و ۷۴۵ کلمه مآرب (مأرب) و جمله‌ای در صفحه ۲۸۳ و صفحه ۵۸۵ سطر ۱۰ موارد دیگری مشاهده نمی‌شود.

۱۰ - بخشهای اول تا چهارم این کتاب یکبار با نام (فرازهایی حساس از زندگانی امیرمومنان) توسط مکتب اسلام، و یکبار با نام (پژوهشی عمیق از زندگانی علی (ع)) و یکبار با نام (پژوهشی عمیق پیرامون زندگانی علی (ع)) توسط انتشارات جهان‌آرا در قم چاپ و منتشر شده است.

پاورقی:

پژوهشی در علمای اسلام

۱ - صفحه ۹۹ - ۱۰۰.

۲ - صفحه ۱۲۶ - ۱۲۷.

۳ - صفحه ۱۴۶.

۴ - صفحه ۱۴۶ - ۱۴۸.

۵ - صفحه ۲۸۳ و ۲۹۹ - ۳۰۸.

۶ - صفحه ۲۸۳ - ۲۸۴.

۷ - صفحه ۳۱۵.

۸ - صفحه ۲۵۹.

۹ - صفحه ۲۷۱ - ۲۷۳.

۱۰ - صفحه ۲۷۶.

۱۱ - صفحه ۱۶۶ و ۲۸۴.

۱۲ - صفحه ۲۷۳.

۱۳ - صفحه ۳۸۱.

۱۴ - صفحه ۳۹۶.

۱۵ - صفحه ۶۸۸ و ۶۸۵.

۱۶ - صفحه ۷۱۴ و ۷۱۶ و ۷۱۸.

۱۷ - صفحه ۳۱۷ - ۳۱۹.

